

ادامه از صفحه اول

به یاد قربانیان تصادف سندانج

هر سه مسافر ما یعنی اعضای خانواده آئینه در دم در میان شعله‌های سهمناک آتش جان به جان‌آفرین تسلیم می‌کنند. این سرنوشت غمبار و طاقت‌سوز یکی از امیدهای آتی کشور بود؛ یکی از استعدادهای درخشان کشور که شاید در آینده‌ای نزدیک می‌توانست به چهره‌ای جهانی مبدل شود. همراه سارا، مادر و برادر خردسالش نیز قربانی شدند. در یک سال گذشته این بیستمین باری است که تانکرهای حامل سوخت داغ بر دل‌های مردمان سندانج و مریوان می‌گذراند. در یک سال ۲۰ تصادف ناشی از خطای تانکرهای حامل سوخت از کشور همسایه به داخل ایران! آیا ۲۰ تصادف، ۲۰ همدار خونین و ده‌ها خانواده داغدار کافی نبود تا برای مسئله راه‌های کردستان چاره‌ای اندیشیده شود؟ سرگذشت جانکاه این عزیزان نشانی از بی‌مسئولیتی‌های اداری است!! نشانی از بی‌توجهی‌ها به جان ایرانیان در جاده‌هاست! نشانی از کم‌توجهی به استانداردها در تولیدات خودرو و جاده‌ها است! مسئولان کشوری کمی تأمل کنید. جاده‌های کردستان، راه‌های مواصلاتی غرب کشور و زیرساخت‌های توسعه بیش‌ازپیش چشم‌به‌راه برنامه‌های کارشناسی است. نگذاریم ساراها و محمدریاساها ی دیگری از سزرمین‌مان قربانی بی‌مسئولیت‌ها و کم‌کاری‌ها شوند. امروز ۴۰ روز از حادثه می‌گذرد؛ درحالی‌که آقای جمشید آئینه و سینیای جوان همچنان ناباورانه با این غم سرگرم خانه شده‌اند. با آبدادی و عمران و توسعه جاده‌های کشور شادی را به دل این خانواده و دیگر خانواده‌های داغدار بازگردانیم. جاده‌های استان کردستان برای سایر نقاط نیازمند توجه و مساعدت است. به فکر آینده هم‌وطنان‌مان باشیم.

سهم ایران در خزر چقدر است؟

«همچنین دولت اتحاد جماهیر شوروی از دولت علیشه ایران خواهش می‌کند که منفعت مشترک را که بحر خزر منحصرا دریای ایران و شوروی باشد، در نظر گرفته... باشد».

این سند به صراحت دریاچه مازندران را «منفعت مشترک انحصاری ایران و شوروی» می‌داند.

۴- سند دیگر، پاسخ سفیرکبیر اتحاد جماهیر شوروی به تاریخ ۲۵ مارس ۱۹۴۰ درباره مکاتبات معموله درباره فصل هفتم عهدنامه موت ۱۹۲۱ به این شرح است: «نظر به اینکه دریای خزر که طرفین متعاهدین آن را دریای ایران و شوروی می‌دانند، برای طرفین دارای اهمیت خاصی است، موافقت حاصل است که دولتين اقدامات لازم را به عمل آورند تا اتباع کشورهای ثالث که در کشتی‌های طرفین و در بندرهای واقع در دریای خزر مشغول خدمت هستند، از خدمت و توقف خود در کشتی‌ها و بنادر برای مقاصد که خارج از حدود وظایف خدمتی محوله به آنها باشد، استفاده نکنند». از این سند این نتیجه حاصل می‌شود که دریاچه مازندران «دریای ایران و شوروی» است و استفاده از آن برای کشور ثالث ممنوع است. بعضی‌ها تصور کرده‌اند که نام این دریاچه «دریای ایران و شوروی» است؛ حال آنکه تأکید شده «طرفین آن را دریای ایران و شوروی می‌دانند» نه اینکه آن را دریای ایران و شوروی «می‌خوانند».

۵- علاوه بر معاهدات و اسناد موجود که بر مبنای «اصل تساوی حقوق» تنظیم شده و حتی به حقوق مساوی تصریح شده است، نکته بسیار بااهمیت که طبق اصول کلی حقوقی، در امرای مشترک، اصل بر تساوی است و تساوی اِیعنی سهم‌بردن هریک از دو طرف به میزان ۵۰ درصد)، مگر اینکه درصدهای خلاف آن تصریح و در قرارداد منظر قید شده باشد.

از قراردادهای ایران و شوروی اگرچه صراحتا درصد ۵۰-۵۰ نیامده، ولی از وازگانی مانند «بالسویه» و «دریای ایران و شوروی» نام برده و وقتی در آن درصدی مشخص نشده، منظور این است که ۵۰-۵۰ برای هریک از دو طرف قابل استفاده است.]

آیا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی می‌تواند حقوق حقه جمهوری اسلامی ایران را در دریاچه مازندران تضییع کند؟ بعد از فروپاشی ۱۹۹۱، لزوم پابندی جمهوری‌های جدید قائم‌مقام اتحاد جماهیر شوروی به مفاد قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ و احترام به رژیم حقوقی موجود نه‌فقط ناشی از اصول حقوق بین الملل عمومی است، بلکه رسماً نیز از سوی آنها در بیانیه آلمانی مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ تأیید شده و همه دولت‌های مستقل مشترک‌المنافع اجرای تعهدات ناشی از قراردادهای شوروی سابق را تضمین کرده‌اند و مستنداً به سند شماره A/۴۹/۴۷۵ مورخ پنج اکتبر ۱۹۹۴ و نظریه رسمی فراسیون روسیه به‌عنوان جانشین شوروی سابق، جمهوری‌های جدید ساحلی دریاچه مازندران نیز باید معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ را بپذیرند.

ادامه در صفحه ۱۴

آگهی دعوت سهامداران جهت مجمع عمومی فوق العاده

به این وسیله از کلیه شرکاء موسسه فرزاتگان انور مسعود (فام)

به شماره ثبت ۲۸۹۱۸ دعوت به عمل آید تا د رجلسه مجمع عمومی

فوق العاده موسسه شرکت که در ساعت ۱۴:۰۰ مورخ ۰۷/۰۶/۱۳۹۷

در محل قانونی موسسه تشکیل می شود حضور بهم رسانند.

دستور جلسه مجمع فوق العاده

—الحاق مواردی که به موضوع موسسه و اصلاح ماده اساسنامه .

شرق: بیستم مرداد بود که محمد شریعتمداری،

وزیر صنعت، معدن و تجارت در نامه‌ای به فرود عسگری، رئیس کل گمرک ایران، اعلام کرد از ابتدای شهریور، صادرات برخی کالاها تا اطلاع ثانوی ممنوع خواهد بود. انواع کاغذ شامل چاپ، بسته‌بندی و روزنامه، انواع تیشو، انواع شیرخشک صنعتی، انواع شیرخشک اطفال، چای فله و بسته‌بندی و کره در بسته‌بندی بالای ۵۰۰ گرم، کالاهایی بودند که در این نامه صادرات‌ممنوع اعلام شدند. این اقلام که هرکدام مورد تقاضای گروه‌های مختلفی از جامعه است، در ماه‌های گذشته با کمبود عرضه روبه‌رو شده‌اند و به نظر می‌رسد وزارت صمت از طریق این ممنوعیت در تلاش است به بازارهای آنها در داخل کشور تعادل ببخشد.
باین‌حال برخی از این اقلام مانند شیرخشک اطفال هیچ‌گونه صادراتی در سال جاری نداشته‌اند اما کمبود جدی آنها در بازار احساس می‌شود. در مقابل ممنوعیت برخی دیگر از این کالاها مانند کاغذ و مقوا، بیشتر برای مقابله با چرخه ناسالمی اجرا خواهد شد که از یک سو از یارانه‌ای کالای اساسی دریافت می‌کنند و از سوی دیگر با صادرات پرسودشان به کشورهای دیگر روبه‌رو هستند. اما این ممنوعیت‌ها به اعتراض برخی از فعالان بازار روبه‌رو شده است.

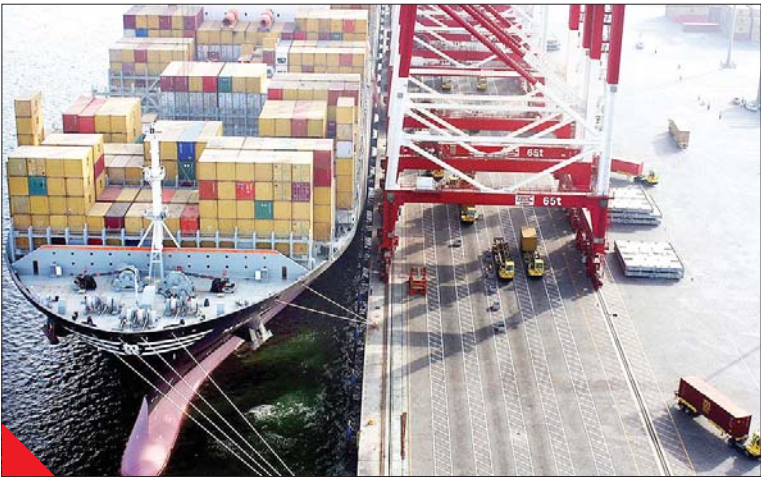
کاغذکارهای معترض

پرداخت یارانه در واردات، شرایط ویژه‌ای را برای برخی محصولات به وجود آورده است. کاغذ یکی از این اقلام است که اگرچه مصرف‌کنندگان در داخل با کمبود شدید آن روبه‌رو هستند و زمزمه افزایش قیمت نهایی محصولات کاغذی در ماه‌های آینده رساتر از همیشه به گوش می‌رسد، تولیدکنندگان کاغذ روی صادرات آن حساب ویژه‌ای باز کرده‌اند. دلار یارانه‌ای سه‌هزار و ۸۰۰ تومانی برای واردات کاغذ و خمیر کاغذ در ماه‌های گذشته یکی از راهکارهایی بود که دولت برای تنظیم بازار کاغذ به کار گرفت. راهکاری که البته در عمل نتیجه مثبتی در بازار نداشت و گزارش‌های مختلف در روزنامه‌های «شرق»، هفت صبح و اعتماد در ماه‌های اخیر نشان داد که چگونه بسیاری از این ارزها یا به واردات کاغذ اختصاص پیدا نکرد یا سر از ساندویچ‌ها و رستوران‌ها در آورد.
باین‌حال طبق فهرست ناقص اعلامی از سوی بانک مرکزی، در پنج ماه گذشته حداقل ۷۸ میلیون و ۱۶۵ هزار و ۱۹۷ یورو به بیش از ۷۰ شرکت و شخص برای واردات خمیر کاغذ اختصاص پیدا کرده است. وارداتی پرمفعت که شرایطی را فراهم کرده تا تولیدکنندگان کاغذ با بهره‌بردن از مواد اولیه و نیروی کار ارزان‌قیمت شرایط بسیار مناسبی برای صادرات کالاهایشان پیدا کنند. در واقع در چند ماه گذشته بسیاری از تولیدکنندگان کاغذ در کشور با استفاده از ارز یارانه‌ای مواد اولیه را وارد کشور کرده و پس از فراوری به کشورهای دیگر صادر کرده‌اند. آمارهای گمرک نشان می‌دهد در مدت چهارماهه فروردین تا تیر نزدیک به ۷۰ هزار تن

اقتصاد

تولیدکنندگان کاغذ، چای و شیرخشک به ممنوعیت صادرات آتی اعتراض کردند

ممنوعه‌های در دسرساز



یک کشتی کانتینر در بندر چابهار

۷هزار و ۲۳۸ تُن شیرخشک صنعتی به ارزش ۲۴ میلیون و ۷۸۵ هزار و ۹۹۱ دلار از کشور صادرات شده و کشورهای عراق، پاکستان، روسیه، تاجیکستان، جمهوری آذربایجان، افغانستان و سوریه مقصد این محموله‌ها بوده‌اند. رئیس انجمن صنفی کاوداران کشور نیز، به نمایندگی از تولیدکنندگان شیرخشک به ممنوعیت صادرات این محصول اعتراض کرده است. سیداحمد قدسی، دراین‌باره روبه‌رو شده است، رئیس سندیکای تولیدکنندگان کاغذ و مقوای ایران در همین زمینه به ایسنا گفته است: از وزیر صنعت، معدن و تجارت درخواست می‌کنیم تا بازنگری در این بخش‌نامه را مدنظر قرار دهد و با تشکیل جلسه‌ای کارشناسی درباره لغو ممنوعیت صادرات کاغذ چاپ، روزنامه و به‌ویژه کاغذ بسته‌بندی تصمیم‌گیری کند. همواره فضا به واردات داده شده است و در شرایط فعلی که نرخ ارز می‌تواند شرایطی را به وجود آورد که تولیدکننده داخلی به نحو مطلوب‌تری عمل کند، متأسفانه این فضا گرفته شده و شرایط برای فعالان این صنعت سخت‌تر شده است. ابوالفضل روغنی‌گلیپاکانی آمارهایی نیز از بازار کاغذ داده و گفته است: درحال‌حاضر حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار تن تولید کاغذ بسته‌بندی داریم و در سال ۱۳۹۶ بنا بر آمار وزارت صنعت، معدن و تجارت کل نیاز کشور در این حوزه معادل ۶۸۰ هزار تن بوده است که این ارقام نشان می‌دهد نزدیک به ۸۰۰ هزار تن مازاد تولید در بخش صنعت کاغذ بسته‌بندی و کارتن‌سازی وجود دارد. رئیس سندیکای تولیدکنندگان کاغذ و مقوا این را هم گفته است که: هرچند مخالف ممنوعیت صادرات در بخش کاغذ چاپ تحریر و روزنامه نیز هستیم اما باید صرفا صادرات کاغذ روزنامه و تحریر ممنوع می‌شد و نباید چنین تصمیمی درباره کاغذ بسته‌بندی در دستور کار قرار می‌گرفت.

اعتراض کاوداران

شیرخشک یکی دیگر از اقلام صادرات ممنوع این روزهاست. آمارهای رسمی گمرک ایران نشان می‌دهد در چهارماهه فروردین تا تیر ۹۷، مجموعا

مزمه‌های افزایش قیمت بنزین

کرده‌ایم که تحقق آن به اعتبارات ۲۸۰ هزار میلیاردتومانی نیاز دارد. او از انجام مطالعاتی مبنی‌بر اینکه خودروهای تولید داخل چه سهمی در بروز سوانح جاده‌ای دارند، خبر داده و اعلام نتایج نهایی این طرح را به یک ماه آینده موکول کرده است.

تقی‌اده در این گفت‌وگو درباره محل تأمین ۲۸۰ هزار میلیارد تومان اعتبار برای اجرای طرح کاهش تلفات جاده‌ای، پیشنهاد افزایش قیمت بنزین را مطرح کرده است. به گفته او، اگر دولت نتواند ۲۸۰ هزار میلیارد تومان اعتبار مورد نیاز را تأمین کند، نباید از ما انتظار کاهش تعداد تلفات ناشی از سوانح جاده‌ای را داشته باشد.

مردم توان پرداخت هزینه بیشتر را ندارند

در حالی پیشنهاد افزایش قیمت بنزین از سوی معاون وزیر راه مطرح می‌شود که کوروش پیرم‌پورحقیقی، دبیر کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با «شرق» بیان می‌کند: در این شرایط اقتصادی مردم تحمل افزایش قیمت بنزین را ندارند.

او ادامه می‌دهد: به‌عنوان یک نماینده پیشنهادی را که از سوی همکارانم یا دولت مطرح می‌شود بررسی می‌کنم. اگر پیشنهادات کارشناسی‌شده و منافع ملی را در نظر گرفته باشند، همچنین رضایتمندی مردم در آن باشد، با آن پیشنهاد موافقت می‌کنم.

او به این پرسش که آیا افزایش قیمت بنزین در کاهش سفرها و تلفات جاده‌ای مؤثر بوده است یا خیر، این‌گونه پاسخ می‌دهد: این مسئله به بررسی کارشناسی نیاز دارد. من تاکنون چنین مطالعه‌ای ندیده‌ام. باید بررسی داشته باشیم و از مشاورانم در این ارتباط کمک بگیریم.

دبیر کمیسیون انرژی همچنان از تصمیم مجلس برای مخالفت با افزایش قیمت بنزین در لایحه بودجه سال ۹۷ دفاع می‌کند و بر این باور است که در آن مقطع، شرایط زندگی مردم به نحوی نبوده که بتوانند افزایش بهای بنزین را تحمل کنند. او درباره شرایط کنونی اقتصادی مردم هم همین نظر را دارد، اما تأکید می‌کند: اگر پیشنهاددهندگان لایحه‌ای به مجلس بیاورند که دلایل قانع‌کننده و کافی در آن باشد و پیشنهادشان در جهت تقویت نظام جمهوری اسلامی و رضایتمندی آحاد مردم باشد، بدون شک نظر خود را تغییر خواهیم داد.

او تأکید می‌کند: تشخیص فعلی من این است که با هرگونه افزایش قیمت بنزین مخالف هستم، مگر این‌گونه همکاران من و مسئولان مربوطه دلایلی بیاورند که نظر من را رد کند. آنچه ما در مجلس تصمیم می‌گیریم، وحی منزل نیست. مجلس منقطع است و براساس نیاز جامعه قوانین را تصویب می‌کند و اگر قوانین به اصلاح نیاز داشته باشند، حتما اصلاحات لازم انجام می‌شود.

افزایش قیمت، تقاضا را کاهش می‌دهد

تغییر در نرخ بنزین، بر عرضه و تقاضا برای این حامل انرژی قطعاً

اقتصاد

سال پانزدهم • شماره ۳۲۲۲ زمرد

یادداشت

چرا اروپا به آمریکا بدهکار نیست

محسن مسرت

● دونالد ترامپ از تکرار اینکه از متحدان آمریکا در ناتو پرداخت سهم دودرصدی تولید ناخالص داخلی آنها را برای ارتش درخواست کند، خسته نمی‌شود. به گفته او اینکه آمریکا با پرداخت ۶۱۰ میلیارد دلار برای مخارج نظامی ۳،۴ درصد از تولید ناخالص داخلی آمریکاست، امنیت متحدان خود را تأمین‌کند قابل‌قبول نبوده و مالیات‌دهندگان آمریکا نیز دیگر حاضر به ادامه این کار نیستند. بنابراین متحدان آمریکا در ناتو در حقیقت به آمریکاییان بدهکارند. ترامپ ضمن پرگوئی‌های معمولی‌اش، ناخودآگاه واقعیت‌های ناگفته‌ای درباره مکانیسم‌های پنهانی سلطه‌گرایی آمریکا را برملا می‌کند که ما اکنون آنکسی به آن می‌پردازیم. این امر واقعیت دارد که آمریکا از همان آغاز تأسیس ناتو بخش قابل ملاحظه‌ای از در آمد ملی خود را بابت هزینه‌های نظامی به کار می‌برد که هم برای سیستم‌های پرخرج ایجاد و پشت هسته‌ای در قبال رقبای دیرینه خود از قبیل اتحاد جماهیر شوروی و اکنون روسیه است و هم برای تأمین بیش از ۸۰۰ پایگاه نظامی‌اش مصرف می‌شوند. البته تمامی دولت‌های آمریکا پس از جنگ سرد از کاهش تسلیحات هسته‌ای اکیدا خودداری کردند درحالی‌که می‌توانستند پیشنهاد خلع سلاح تسلیحات هسته‌ای راگروچ را بپذیرند و مخارج هفتت تسلیحاتی کشورهای ناتو را کاهش دهند و اما اینکه چرا دولت‌های آمریکا درست عکس این سیاست را در پیش گرفتند، احتیاج به توضیح دارد. یکی به خاطر اینکه بدون سفارشات تسلیحات هسته‌ای موجودیت مجتمع صنایع نظامی آمریکا جدا به خطر می‌افتد و دیگر اینکه آمریکا بدون چتر امنیتی هسته‌ای خود، موقعیت کلیدی خویش در ناتو را از دست داده و مجبور خواهد بود از این اهرم سلطه‌گری یعنی وابسته‌ماندن به چتر هسته‌ای متحدان خود به‌خصوص ژاپن و کشورهای اروپایی که درعین‌حال رقبای آمریکا نیز به حساب می‌آیند، چشم‌پوشی کند. آمریکا هزینه پایگاه‌های نظامی خود را نیز که بخش بزرگی از آنها در خاور میانه و نزدیک قرار دارند، متقبل می‌شود زیرا از این طریق قادر است امنیت استفاده از مواد خام و نفت غرب را به بهترین وجه تأمین کند، این بسته امنیتی شامل حداقل دو بعد است: اول- کنترل مستقیم منابع نفتی از طریق حمایت نظامی از کشورهای نفت‌خیز منطقه مانند عربستان سعودی و دوم در صورت لزوم سرنوشتی رژیم‌های مزاحم. اینس حقیقت که آمریکا از قریب به ۷۰ سال پیش در اکثر درگیری‌های جنگی خاور میانه و نزدیک دخیل بوده است بر کسی پوشیده نیست. اما اینکه آمریکا با حضور خود در منطقه در پی تأمین امنیت نفتی خود است، برداشتی نادرست است که خیلی هم طرفدار دارد اما تمامی انگیزه‌های این کشور را بیان نمی‌کند.

آمریکا با توجه به اینکه از ابتدا تاکنون ۸۰ درصد نیاز نفت خود را از آمریکای جنوبی تأمین می‌کند، وابستگی‌اش به منابع نفتی خاورمیانه آن‌طور که تصور می‌شود، بااهمیت نیست و بنابراین احتیاجی به تأمین نظامی امنیت نفتی برای خود در خاورمیانه ندارد. سؤال اینجاست که انگیزه اصلی دخالت‌های نظامی و روش سلطه‌گری آمریکا و حفظ امنیت نفتی در خاورمیانه چیست؟ به این منظور لازم است به تحلیل ابعاد مهم دیگری بپردازیم: مهم‌ترین آنها تثبیت شرایطی است که بتواند در بازار جهانی تولید و جریان بدون وقفه نفت ارزان خاورمیانه را برای مدت طولانی تضمین کند و به‌این‌ترتیب رشد اقتصادی قابل‌توجه‌ای را برای سرمایه‌داری غرب و به‌خصوص برای متحدان آمریکا در ناتو یعنی اروپا و ژاپن برای مدت هرجه طولانی‌تر به وجود آورد. چنین شرایط مناسبی یعنی نفت ارزان و بدون وقفه که ما برای چندین دهه شاهد آن بودیم مستقیم از روابط بازار آزاد در بازار جهانی نشأت گرفته به سبب همزیست‌ی نظامی آمریکا استوار شده بودند که آمریکا از طریق تأمین انرژی هم بتواند متحدان عضو‌ناتو را به گروگان‌های سیاست امنیتی خویش تبدیل کند. بنابراین این ایراد کنونی ترامپ که اروپا با ایجاد خط نفتی دریای شمال، خود را به روسیه وابسته می‌کند نیز در تأمین این برداشت است. البته برای آمریکا دلیل مهم‌تری نیز برای نظامی‌گری در تأمین نفت مصداق دارد: تجارت جهانی نفت بر مبنای دلار حداقل از زمان دره‌هریختن سیستم برتن – وودز (Bretton–Woods) در سال ۱۹۷۲ عملاً جایگزین پول جهانی با اتکا به طلا شده است. بنابراین تجارت نفت بر مبنای دلار تقریباً از نیمقرن پیش نقش بسیار مهمی را در تثبیت دلار آمریکا به طور غیرمستقیم و سربه‌پزانه هم‌راه‌ه تا آخرین دینار و شاهی را برای امنیت هسته‌ای کذایی و نیز تأمین انرژی خود به آمریکا پرداخت می‌کنند. به همین دلیل آنها برخلاف آنچه ترامپ مدعی است به آمریکا هیچ بدهکار نیستند.

ادامه در صفحه ۵